

## سخن و آپلو

(دو نشریه ادبی جریان‌ساز در ایران و مصر)

حبيب الله عباسى

دانشیار دانشگاه تربیت معلم تهران

### چکیده

این نوشتار، با تکیه بر این نکته که رویدادهای فرهنگی صد سال اخیر ایران و جهان عرب سخت شیوه هم است، دو نشریه جریان‌ساز ایرانی و مصری - سخن و آپلو - را مورد بررسی قرار می‌دهد. هنوز صدای این دو نشریه تأثیرگذار را که حلقه پیوند ادبیات سنتی و مدرن به شمار می‌روند، می‌توان از دیواره زمان شنید. در این مقاله ابتدا به اجمال این دو نشریه که به همت خانلری و ابوشادی منتشر می‌شدند، معرفی شده است. در پایان به برخی قدرمشترک‌های این دو نشریه اشاره شده است؛ قدر مشترک‌هایی مانند وارد کردن حال و هوایی جدید در حوزه شعر، گسترش شعر تمثیلی و نمایشی، وضع مبانی و معیارهای جمال‌شناسی جدید، رویکرد اعتدالی به ادبیات اروپا بهویژه شعر، ترجمه و نقد؛ چاپ و انتشار آثار شعری و تحقیقاتی مدرن، معرفی و شناسایی بسیاری از چهره‌های شاخص ادبیات عرب و ایران برای اولین بار، به دور بودن هر دو نشریه از گرایش‌های سیاسی و حزبی و نظریه‌پردازی و جریان‌سازی هر دو نشریه در حوزه شعر.

کلیدواژه‌ها: آپلو، سخن، ایران، عرب، ادبیات جدید، شعر و ...

تاریخ پذیرش: ۸۵/۱۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۸۵/۷/۱۴

مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، س ۱۴، شماره ۱۳۸۵، ۵۵-۵۴

### ۱) مقدمه: طرح مسئله

استاد شفیعی کدکنی در مقدمه چاپ جدید کتاب شعر معاصر عرب می‌نویسد: «آب در ظروف مرتبطه در یک سطح قرار می‌گیرد. آن‌چه در این صدالله در شعر عربی اتفاق افتاده است عیناً در شعر فارسی نیز روی داده است، با تفاوت‌های مختصری که برخاسته از شرایط متفاوت فرهنگ‌ها و ساختارهای حیات این دو قوم است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۱۵). جریان تجدید یا مدرنیسمی که در میان دو قوم ایرانی و عربی، عملاً با جنبش‌های نهضت و مشروطه در مصر و کشورهای عربی و ایران آغاز شد، مصدق بارزی برای این حکم «آب در ظروف مرتبطه است». این جریان نوگرایی در ظروف و شرایطی تقریباً مشابه، افتتان و خیزان تداوم یافت و عوامل متعددی در گسترش و تداوم آن مؤثر بودند. نقش برخی جمعیت‌ها و گروه‌های فرهنگی را در این میان نمی‌توان نادیده گرفت. این جمعیت‌ها با انتشار مجله در گسترش و ترویج جریان مدرنیسم در ایران و سرزمین‌های عربی، کوشیدند. از این رهگذر تأثیر شگرف و انکارناشدنی در اتفاق‌های جهان عرب و کشور ایران داشتند، بهویژه در تکوین و شکل‌گیری جریان مدرنیسم ادبی اعم از خلاقه و آکادمیک آن و اثبات این امر که «آب در ظروف مرتبطه در یک سطح قرار می‌گیرد».

دو نشریه سخن و آپولو - که در بد امر ارگان رسمی دو جمعیت نوین «جماعت آپولو» و «جامعه لیسانسیه‌های دانشسرای عالی» بودند - از میان دیگر نشریاتی که در آن روزگار منتشر می‌شد، تأثیرگذارتر بودند، چنان‌که هنوز می‌توان صدای تجدید اعتقدالی آن‌ها را از دیواره زمان شنید و زیر لب این سروده ابو تمام، شاعر عرب را زمزمه کرد:

ثم انقضت تلک السنون و اهلها  
کانها و کانهم احلام<sup>۱</sup>

این دو نشریه جریان‌ساز معاصر نماینده واقعی جریان نوگرایی بودند که کشورهای اسلامی (ایران و مصر) در مواجهه با تمدن جدید در یک موقعیت تاریخی - فرهنگی مشابه به آن روی آوردند. این دو مجله ضمن آن که حلقه پیوند این کشورها با غرب بودند، با اقتدار تمام کتر کننده جریان تجدد نیز هم. چنان‌که نه گرفتار تندروی‌های نوگرایان شدند و نه اسیر واپس‌گرایی‌های سنت‌گرایان.

این دو نشریه فرهنگی، با وجود فاصله زمانی حدود دو دهه در شرایط اجتماعی سیاسی تقریباً مشترک، به کردار کشورهای غربی به آستانه مدرنیسم فردگرا وارد شدند.

در اینجا بایسته می‌نماید که پیش از اشاره به قراین و اماراتی که نشان‌دهنده نماینده‌گی این دو نشریه از جریان نوگرایی اعتدالی باشد به اجمالی، سخن و آپلو را معرفی کنیم و آن‌گاه به آن دسته از وجود مشترک میان آن‌ها اشاره کنیم که مبین جریان‌ساز بودن و نماینده‌گی آن‌ها از جریان اعتدالی تجدد است.

## ۲) نشریه سخن

أهل سخن نهای، ز سخن گر به هیچ روی  
یادآوری و هیچ از او یاد ناوری  
<sup>۱</sup>(مظاهر مصفا)<sup>۲</sup>

محله ادبی سخن که بعدها پایگاه علمی و ادبی سخنوران بسیاری شد و همچنین عامل ارتقاطی روشنفکران و پایگاه اقتدار معنوی آنان، به همت استاد دکتر پرویزناتل خانلری<sup>۳</sup> تأسیس شد، استاد در این باره می‌گوید:

«اصل ایجاد سخن از آن‌جا شروع شد که جامعه لیسانسیه‌های دانشسرای عالی مجمعی داشتند و آن‌جا تصمیم گرفتیم که مجله‌ای داشته باشیم، ارگان آن جمعیت. در آن‌جا اسم بنده به میان آمد و قرار شد که امتیازش را بگیرم، ولی من هنوز سئم کم

بود، چون [صاحب امتیاز] می‌بایست ۳۰ سال داشته باشند، قرار گذاشتیم با آقای دکتر صفا که او امتیازش را بگیرد ولی من سردبیرش باشم تا سه چهار شماره به همین نحو درآمد، آقای دکتر صفا بیشتر مایل بود که تاریخ ادبیات خودش را تدارک بکند... بعد از چند شماره استعفا داد و بنده هم به سن بلوغ رسیده بودم و امتیاز را به نام خودم گرفتم، از جامعه لیسانسیه‌ها هم بعد از پنج شش شماره ناچار شدم کتاب بکشم، زیرا که خرج مجله به گردن بنده افتاده بود و از بودجه جامعه لیسانسیه‌ها هم بوی خیر نمی‌آمد، ضمناً آن‌ها هم از من راضی نبودند و عقیده‌شان این بود که بولتني داشته باشند که اخبار جامعه لیسانسیه‌ها در آن درج شود، به این جهت جدا شدیم، به این شرط که امتیاز را بنده داشته باشم و در عوض پول‌هایی که بنده بدھکار بودم از آن‌ها نگیرم، به این ترتیب غائله ختم شد، بنده هم در صدد آن برآمدم که مجله سخن را آن‌طور که میل دارم در بیاورم...» (خانلری، ۱۳۶۹: ۸).

دوره نخست مجله سخن با انتشار اولین شماره آن در خردادماه ۱۳۲۲ و با همکاری عده‌ای از جوانان با ذوق و نواندیش مانند هدایت، بزرگ‌علوی، شهید نورایی و... آغاز به کار کرد و پس از سه دوره به علت مسافرت تحقیقاتی استاد خانلری به کشور فرانسه متوقف شد. این نشریه از اول آذر ۱۳۳۱، مجدداً منتشر شد و انتشار آن در آغاز هر ماه تا سال ۱۳۵۷ بی‌وقفه، ادامه یافت. ره‌آورد این فعالیت مدام استاد خانلری ۲۷ دوره سخن در سی هزار و یکصد صفحه بود که در تاریخ فرهنگ ما به صورت یک دایرةالمعارف باقی مانده است.

خانلری منشأ خدمات علمی و فرهنگی بسیاری در ایران شده است؛ اما بزرگ‌ترین خدمت خانلری را انتشار مجله سخن می‌دانند (بزرگ‌علوی، ۱۳۷۶: ۲۳). در تمام سال‌های انتشار این مجله اگرچه خانلری اولین سردبیر و ناخدا همیشگی این کشتی بود؛ اما افرادی فرهیخته و کارآمدی در ادوار مختلف آن عهده‌دار سمت سردبیری آن

بودند. پس از او به ترتیب احمد بیرشک، احسان پارشاطر، ناصر پاکدامن، علیرضا حیدری، قاسم صنعتی، تورج فرازمند، حسن هنرمندی، ابوالحسن نجفی، محمود کیانوش، رضا سیدحسینی، ایرج افشار و هوشنگ طاهری سردبیری سخن را عهده‌دار بودند.

## ۱-۲) موضوعات سخن

این نشریه که در حکم مکتب نوآوری در حوزه‌های ادبیات، هنر، موسیقی و مباحث جدی فرهنگی و اجتماعی به شمار می‌رفت، نه با شیوه سنتی سازگار بود و نه تندروی و بی‌بندوباری بیگانه‌پرستان را برمی‌تافت، لذا راز خلاقیت و سرآمد شدن را در گرویک دیالکتیک معادل وابستگی به سنت و میراث نیاکان - که برای اثبات آینده و هویت ما ضروری است - و گریز از سنت می‌دانست. این نشریه در حوزه‌های مختلف ادبی و هنری و اجتماعی و فرهنگی، حوزه‌هایی مانند شعر، داستان، ترجمه آثار ادبی و هنری و فرهنگی جهان و تحقیقات و نقد ادبی فعالیت چشمگیری داشت. از همین رو هماهنگی سخن با دنیا و معنویات را راز موفقیت خانلری دانسته‌اند و از آن به عنوان دایرةالمعارفی یاد کرده‌اند که هر پژوهشگری را به کار آید (همان، ۲۴).

سخن به عنوان یک مجله ادبی و فرهنگی پیشرو و نوجو اعتبار و شهرت شایانی کسب کرده بود. ایرج افشار علت این اعتبار و اشتهرار را به دو مناسبت می‌داند: «یکی روی آوردن به نشر شعر و داستان و نمایشنامه‌های نو اروپایی و ملل دیگر بود که پیش از آن در مجله‌های فارسی مرسوم دیده نمی‌شد. پس نخست توانست دریجه‌ای بر دیوار حائل میان ایرانیان و ادبیات معاصر خارجی بگشاید و به تشنجان از زلال چشم‌هسار ادبی نو جرعه‌های گوارا بنوشاند. مناسبت دیگر چاپ کردن نوشه‌ها و

سروده‌های گروهی نویسنده تازه نفس بود که پیش از آن آثارشنان چندان در نشریات فارسی دیده نمی‌شد. نوشته‌ها و سروده‌های آنان عطش تشنگان تازه‌خواهی و نوجویی را فرو می‌نشاند» (افشار، ۱۳۷۶: ۳۵).

این مجله علاوه بر نشر شعر و داستان و نمایشنامه‌های نو اروپایی و ملل دیگر جهان، نوشته‌ها و سروده‌های گروهی نویسنده تازه نفس را نیز منتشر می‌ساخت. همچنین در کنار انتشار مقاله‌های ادبی، فلسفی و اجتماعی و مقاله‌هایی انتقادی به معرفی نقاشی مدرن، نقد کتاب و نشر اخبار فرهنگی جهان نیز می‌پرداخت. برخی از این نقدها و گفتارها در نوع خود بی‌سابقه بود. اغلب مطالبی که در این مجله وزین به چاپ

می‌رسید، عمده‌تاً در موضوع‌های زیر بود:

۱. داستان‌های نویسنده‌گان معاصر
۲. سروده‌های ابداعی شاعران معاصر
۳. مقالات فلسفی و اجتماعی
۴. معرفی نقاشی مدرن
۵. معرفی و نقد کتاب
۶. نشر اخبار فرهنگی جهان<sup>۴</sup>

## (۳) مجله آپلو

أبُولو مرحباً بِكَ يَا أبُولو

فَأَنْكَ من عَكَاظِ الشِّعْرِ ظَلَّ

احمدشوقى<sup>۵</sup>

در نیمه نخست سده پیستم که حوادث شگرف و شگفتی در گوشه و کنار جهان، بهویژه اروپا روی داد، در سرزمین‌های عربی نیز هم، بهویژه کشور مصر، رویدادهای بسیاری در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و ادبی به وقوع پیوست. در همین دوره انجمان‌ها و جمعیت‌های ادبی و هنری متعددی در حوزه ادبیات عرب شکل گرفت، دو جمعیت صاحب‌نام و تأثیرگذار بر جریان ادبیات معاصر عرب، بهویژه شعر معاصر، در همین کشور مصر به منصة ظهور رسیدند، نخست «جماعت دیوان» تحت تأثیر خلیل مطران و با همیاری ابراهیم عبدالقدار المازنی<sup>۶</sup>. این جماعت به کردار «جمعیت دانشکده»<sup>۷</sup> علیه سنت‌های شعر کلاسیک، بهویژه «عمودالشعر» عصیان کردند و دیگر به کردار سنت‌گرایان معتقد نبودند که اسلاف، بر و بوم سخن را رفته‌اند و «ليس فی الامکان، ابدع مما كان». اگرچه «جماعت دیوان»، مفاهیم و مضامین جدیدی را وارد شعر کردند؛ اما در صورت و فرم پیروزی، هم‌چنان از چهارچوب سنت تخطی نکردند. در اوایل دهه سی، تحت تأثیر ادبیات اروپایی، جمعیت شعری پیشروی به نام «جماعت آپلو» در شهر قاهره شکل گرفت، در سپتامبر ۱۹۳۲ م. گروهی ادیب و شاعر و منتقد گرد هم فراز آمدند و اساس این مکتب ادبی را بنیان گذاشتند و با الهام از اساطیر یونان نام آپلو را برای آن اختیار کردند. خبر تأسیس آن، اول بار به وسیله شاعر رمانیک مصر، دکتر احمد زکی ابوشادی<sup>۸</sup> (۱۸۹۲-۱۹۵۵م)، مؤسس اصلی جمعیت منتشر شد. این جمعیت که اعضای اولیه آن عبارت بودند از احمد محروم، ابراهیم ناجی، علی محمود طه، کامل کیلانی، احمد ضیف، احمد الشایب، محمود ابوالوفاء و حسن

کامل الصیرفی و غیره، در نخستین جلسه، احمد شوقي را به عنوان رئیس جمعیت برگزید، هنوز یک ماه از این انتخاب نگذشته بود که مرگ او را درربود و خلیل مطران جایگزین او شد. دکتر ابوشادی در تمام مدت، دبیر این جمعیت بود.

این جمعیت از همان آغاز برای نشر سرودها و آثار خود به انتشار مجله‌ای به نام آپولو اهتمام کرد.<sup>۹</sup>

در شماره نخست مجله (آوریل ۱۹۳۳)، محورهای فعالیت‌های جمعیت بدین شرح اعلام شد:

۱. اعتلای شعر عرب و جهت دادن به شاعران.
۲. حمایت از نهضت‌ها و جریان‌های هنری و ادبی در حوزه شعر.
۳. ارتقای زندگی شاعران در سطوح مختلف مادی، ادبی و اجتماعی و دفاع از کرامت انسانی آنان.

ابوشادی در همین شماره «دبستان آپولو را دبستان تعاون، انصاف و اصلاح و نوآوری» وصف می‌کند (ابوشادی، ۱۹۳۳: ۱) و هدف اصلی آن را هدایت شاعران از ظلمت به نور و گسترش افق شعر عربی و گشودن قید و بندهای سنت به‌ویژه «عمودالشعر» از پای شاعران و آشنا کردن آن‌ها با ادبیات جهان و جریان‌های فکری جدید آن و پوشاندن لباس نوی بر قامت شعر و جستن معانی و مضامین تازه می‌داند. وجه غالب فعالیت‌های این نشریه، نوآوری و تجدد در حوزه شعر بود. نسل جوان آن، از همه در نوآوری و تجدد گستاخ‌تر بودند و بیشتر متأثر از وضعیت سیاسی و انقلاب ۱۹۱۹. این جمعیت می‌خواست هم وحدت رمانیک شعر و هم وحدت موضوعی آن را محقق سازد (الكتانی، ۱۹۸۲: ۴۳۰-۴۳۲). این نشریه تا سال ۱۹۳۵ م. به‌طور مرتب منتشر می‌شد. کوچیدن ابوشادی از قاهره به اسکندریه، در این سال باعث توقف آن

شد. صدای این مجله و جمعیت آپلو، از صدایهای ماندگاری است که آن را هنوز می‌توان از دیواره زمان شنید، نویسنده‌گان و شاعران آن، اگرچه به عرصه‌های دیگر روی آورده‌اند، اما هم‌چنان به اصول و مبادی آن جمعیت و فادر ماندند. هنوز ردپای این جمعیت و مجله را می‌توان در حوزه‌های مختلف ادبیات عرب مشاهده کرد.

دیری نپایید که این مجله شهره آفاق شد و بسیاری از شاعران صاحب‌نام کشورهای عربی مانند ابوالقاسم الشابی از تونس و ایلیا ابوماضی و الیاس ابوشبله از لبنان و محمد‌مهدی جواهری از عراق به این جمعیت پیوستند.

از فعالیت‌های جنبی مجله، نشر دیوان‌های شاعران نوآوری مانند ابوشادی و ابراهیم ناجی و پژوهش‌های انتقادی مانند رواة الشعر في مصر مختار الوکيل و أدب الطبيعه از مصطفی عبداللطیف السحرتی بود. از همان بد و انتشار، این نشریه نشانه تیرهای انتقادی شدیدی قرار گرفت. این انتقادها بیشتر متوجه ناتوانی شاعران مجله در رعایت «عمود الشعر» و ترجمه و اخذ معانی از شعر اروپایی بود (الدسوقی، ۱۹۷۲: ۵۰۸).

ابوشادی این انتقادهای تند را بی‌جواب نمی‌گذارد و هم‌چنان در نیل به اهداف مجله می‌کوشد و تا اندازه‌ای نیز توفیق می‌یابد. از جمله در گسترش شعر آزاد و ترویج شعر تماشی و شعر داستانی و سمبولیک موفق می‌شود، هم‌چنین در گسترش آزادی خیال و جمال‌شناسی جدید و تکثر آبشخورهای شعری چه در حوزه لفظ و معنی و اهتمام به تلمیح و اشارات داستانی، تاریخی و اساطیری نیز هم.

### ۳) قدرمشترک‌های سخن و آپلو

بی‌شک این دو نشریه معتدل و جریان‌ساز ایران و مصر دارای چنان ممیزه‌ها و ویژگی‌های ممتازی بوده‌اند که هم باعث سرآمدی و تشخض آن‌ها در میان نشریات ادبی هم‌عهد خود و بعد از آن شده است و هم باعث جریان‌ساز شدن و تأثیرگذاری

آن‌ها بر مجلات و جریان‌های دیگر و بعدی. با آن که از عمر آخرین شماره هر یک از این دو مجله، مدت زیادی نمی‌گذرد، این نشریه‌ها از منابع و مأخذ معتبر به شمار می‌روند و برای محققان حکم دایرة المعارف دارند.

احصای تمام ممیزه‌های سخن و آپولو، از حوصله این مقال بیرون است. البته در ضمن کتاب‌ها و مقالاتی که در این باره نگاشته شده، به برخی از آن‌ها اشاره شده است. لذا در اینجا ممیزاتی را بر می‌شماریم که قدر مشترک‌های هر دو نشریه‌اند و باعث ماندگاری آن‌ها.

۱- هر دو نشریه در شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مشابهی به منصه ظهور رسیدند، هر دو به فاصله زمانی نزدیکی بعد از عصر نهضت و مشروطه در تهران و قاهره منتشر می‌شوند.

۲- هر دو مجله ارگان رسمی جمعیت بودند، یکی «جامعه لیسانسیه‌های دانشسرای عالی» و دیگر «جماعت آپولو». جالب توجه آن که هر دو جمعیت از بطن جمعیت قبل از خود درآمده و در حقیقت جایگزین آن شده بودند، «جامعه لیسانسیه‌ها» جایگزین «جمعیت دانشکده» به رهبری ملک‌الشعرای بهار بود و دیگری جایگزین «جماعت دیوان» به رهبری عباس محمود العقاد.

۳- هر دو نشریه ضمن وابستگی به سنت، صورت معتلی از سنت‌گریزی داشتند. این مجلات برخلاف نشريات آوانگارد و رادیکال، ضمن حفظ اعتدال، شعر و ادب هر دو قوم را به سوی دنیای مدرن رهنمون شدند. هر دو مجله، چشم پوشیدن از میراث نیاکان را هم برای هویت ملی و هم برای تحقق آینده ملت خویش زیان‌بخش می‌دانستند و از سوی دیگر تأثیرپذیری از نفحات تمدن جدید و جریان‌های انسانی و هنری جدید را ضروری می‌دانستند، از این رو بود که متهم به محافظه‌کاری شده بودند.

۴- رویکرد اعتدالی هر دو نشریه به ادبیات اروپا به‌ویژه شعر، ترجمه‌ها و نقدهای متعددی که در شماره‌های مختلف هر دو نشریه چاپ شده، گویای این واقعیت است.

۵- شباهت میان چهره‌های برجسته هر دو مجله یکی دیگر از قدر مشترک‌های سخن و آپلوست. خانلری و ابوشادی هر دو مؤسس اصلی این نشریات و ناخداei آن‌ها به شمار می‌رفند. اگر سماجت آنان نبود، هرگز این دو مجله منتشر نمی‌شد؛ چه به محض خروج هر یک از آنان از قاهره یا تهران، انتشار مجله هم متوقف می‌شود. هر دو شاعرانی بودند که تحت تأثیر استادان بنام سرزمین خود قرار داشتند، یکی متأثر از از خلیل مطران بود و دیگری از ملک‌الشعرای بهار. میان شاعران هر دو نشریه نیز شباهت‌هایی را می‌توان یافت، از جمله میان برخی شاعران سرآمد مجله آپلو مانند ابوالقاسم الشابی، ایلیا ابوماضی، محمدمهدی جواهری، الیاس ابوشبکه و برخی شاعران سرآمد مجله سخن مانند فریدون توللی، نادر نادرپور، گلچین گیلانی، فریدون مشیری و ...

۶- اگر پذیریم که «تحولات شعر فارسی و عربی در این قرن تابعی است از متغیر ترجمه در این زبان‌ها»، بی‌شک سهم سخن و آپلو در این زمینه بسیار است، چه بسامد ترجمه در این نشریات چندان بود که برخی منتقادان این امر را از عیوب آن‌ها به شمار آورده‌اند.

۷- چاپ و انتشار آثار شعری و تحقیقاتی. هر دو نشریه ضمن انتشار مرتب ماهانه، برخی دفترهای شعر و آثار تحقیقاتی را هم منتشر می‌کردند.

۸- بسیاری از چهره‌های شاخص ادبیات عرب و ایران، اول بار توسط همین مجلات شناسایی شدند و اغلب آثار چهره‌های برجسته ادبیات معاصر ایران برای اول بار در مجله سخن منتشر شد از جمله، نادرپور، ابهاج، اسلامی ندوشن، رسول پرویزی،

میرصادقی، زرین کوب و... در مجله آپولو نیز قصیه بر همین منوال بود، سروده‌های ابوالقاسم الشابی و الیاس ابوشبکه برای اول بار در این نشریه منتشر شد.

۹- معیارهای زیبایی‌شناسی و اصول نقد این نشریه به هم نزدیک است، بی‌شک ذوق و روحیه تجددگرایی که وجه غالب شعر و ادب این نشریات بود، بر این معیارها و اصول تأثیرگذار بود.

۱۰- اهتمام هر دو مجله در گسترش شعر تمثیلی و روایی و شعر نمایشی ستودنی است.

۱۱- به دور بودن هر دو نشریه از گرایش‌های سیاسی و حزبی، هم ابوشادی و هم خانلری تمام توosh و توان خود را برای گسترش و اصلاح جریان‌های ادبی به کار می‌گرفتند.

۱۲- نظریه‌پردازی هر دو نشریه در حوزه شعر چنان‌که برخی محققان مانند آدونیس اهمیت این نشریات را در امر نظریه‌پردازی و خلق فضای جدید، به مراتب بیشتر از خلق آثار شعری می‌دانند (آدونیس، ۱۹۸۶/۳: ۱۱۹).

۱۳- جریان‌ساز بودن، هر دو نشریه در حوزه شعر. آن‌ها موفق شدند حال و هوای تازه‌ای را وارد ساختار سنتی شعر فارسی و عربی کنند و ساختار و صورت جدیدی از شعر کشف کنند و شعری را متدالو سازند که پلی باشد جهت مقبولیت شعرهای پیشرو و متجدد.

در پایان گفتی است که ضمن احصای وجوه اشتراک دو این نشریه جریان‌ساز، دو نکته را نباید از نظر دور داشت؛ نخست این‌که فعالیت نشریه آپولو در حدود دو دهه پیشتر از سخن در تهران آغاز شد و این نشریه پایگاه اصلی جریان رمانیسم در جهان عرب به شمار می‌رفت؛ در حالی که رمانیسم همزمان با انتشار این نشریه، یعنی در دو دهه نخست حکومت رضاخان از رهگذر زبان‌های عربی و ترکی وارد ایران شده بود و

تقریباً هم‌زمان با انتشار دوره‌های نخست مجله سخن این جریان فروکش کرده بود و جریان‌های ادبی و فکری جدید غرب مانند رئالیسم، ناتورئالیسم، سورئالیسم و سمبولیسم توسط نویسنده‌گان صاحب‌نام آن به جامعه ادبی و دانشگاهی ما معرفی شد. دو دیگر گستردگی حوزه‌های فعالیت سخن و دیریازی مدت انتشار آن است که با آپلو قابل مقایسه نیست.

### پی‌نوشت

۱. دیوان ابو تمام، ۴۷/۲
۲. ر. ک. رستگار فسایی، متصور. (۱۳۷۹). خانلری. تهران: طرح نو. ۷۶-۸۰
۳. در باره کارهای ادبی، فعالیت‌های ادبی - فرهنگی و اجتماعی و مشاغل و مناصب مختلف استاد خانلری در مدت حیات پربار ر. ک. همانجا، ۹۵-۳۴۷
۴. برای تفصیل بیشتر در باره خانلری و مجله سخن ر. ک. «قافله سالار سخن»، مجموعه مقالات درباره خانلری، نشر البرز، تهران، ۱۳۷۰؛ افشار، ایرج: «سخنواره»، پنجاه و پنج گفتار پژوهشی، به یاد دکتر پرویز ناتل خانلری با همکاری هانس روبرت رومیر، طوس، تهران، ۱۳۷۶.
۵. ر. ک. الدسوقي، عبدالعزيز: جماعة آپلو و أثرها في الشعر الحديث، الهيئة المصرية العامة للكتاب، مصر، ۱۹۷۲، ۳۶۵
۶. درباره جمعیت دیوان ر. ک. المعموش، سالم: الادب العربي الحديث، دارالمواسم، بيروت، ۱۹۹۹، ۵۶۷-۵۷۴
۷. در ربيع الاول ۱۳۴۴ دی ماه ۱۳۹۴ انجمن ادبی کوچکی از جوانان ادیب و خوش طبع به نام جرگه ادبی یا جرگه دانشوری در تهران تشکیل شد. این انجمن در صدد «ترویج معانی جدید در لباس شعر و نثر قدیم و شناساندن موازین فصاحت و حدود انقلاب ادبی و لزوم احترام به آثار فصحای متقدم و ضرورت اقتباس محسن نثر اروپایی بود.» تاریخ ادبیات معاصر، رشید یاسمی، تهران، ۱۳۱۶، ص ۱۱۹ و از صباتا نیما، یحیی آرین‌پور، تهران، زوار، ۱۳۷۲، جلد دوم،

.۴۳۶-۴۵۲

۸. احمد زکی ایوشادی، سال ۱۸۹۲ در قاهره متولد شد، در لندن، در رشته بیماری‌های داخلی و عروقی تخصص گرفت. پس از ده سال اقامت در آنجا به قاهره بازگشت و عهددار سمت‌های متعددی شد، آخرین سمت وی ریاست دانشکده پژوهشی دانشگاه اسکندریه در سال ۱۹۳۰ بود، در سال ۱۹۴۶ رسپار نیویورک شد و در ۱۲ نیسان ۱۹۵۵ همانجا دیار فانی را وداع گفت.
۹. در سده نوزدهم دو اصطلاح آپولویی و دیونوی در نقد ادبی مصطلح شد. به آثار ادبی احساسی و رؤیایی و فردگرا ادبیات آپولویی و به آثار ادبی عقلانی و جمعی ادبیات دیونوی اطلاق می‌شد. در این زمینه ر. ک. مقدماتی، بهرام. (۱۳۷۸). فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی. فکر روز. تهران: صص، ۱۵-۲۰.

Cuddon, J. A. *A Dictionary of Literary terms*, New York, 1984. PP. 51-52.

## منابع

- ابو تمام. (۲۰۰۰). *ديوان خبطة و شرحه ايمان البقاعي*. بيروت: مؤسسه الاعلمى للمطبوعات.
- ابوالشباب، واصف. (۱۹۸۸). *القديم و الجديـد فـي الشـعر العـربـي الحـديث*. بيروت: دار النـهـضة العـربـيه.
- ادونيس. (۱۹۸۶). *الثـابت و المـتحـول*. بيروت: دار الفـكر.
- افشار، ایرج. (۱۳۷۶). *سخنواره. پنجـهـ و پـنجـ گـفـتـارـ پـژـوهـشـي*. به يـاد دـكتـر پـروـيزـ نـاتـلـ خـانـلـرـيـ باـ هـمـكـارـيـ هـانـسـ روـبـرتـ روـمـيرـ. تـهـرانـ: طـوسـ.
- خـفـاجـيـ، مـحـمـدـ عـبـدـ الـمـنـعـمـ. [دونـ سـنهـ طـبعـ]. درـاسـاتـ فـيـ الـادـبـ الـعـربـيـ الـحـديثـ وـ مـدارـسـهـ.
- الـقاـهـرـهـ: الـتـيـارـاتـ وـ الـمـذاـهـبـ الـكـبـرـيـ. مـكـتبـةـ الـأـزـهـرـ.
- الـدـسوـقـيـ، عـبـدـ الـعـزيـزـ. (۱۹۷۲). *جـمـاعـهـ أـبـولـوـ وـ أـشـرـهـ فـيـ الشـعـرـ الـحـديثـ*. مصر: الـهـيـئـةـ الـمـصـرـيـةـ العـامـةـ لـلـكـتابـ.

- «دنیای سخن». (۱۳۶۹). شماره‌های ۳۵ و ۳۶. مهر و آبان.
- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۷۹). خانلری. تهران: طرح نو.
- روانبخش، فاطمه. (۱۳۸۲). «نقش مجله سخن در ادبیات معاصر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد. زبان و ادبیات فارسی به راهنمایی حبیب‌الله عباسی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۶). حکایت همچنان باقی. تهران: سخن.
- سخن. (۱۳۶۳). دوره اول از دی ۱۳۲۲ تا مهر ۱۳۲۲. تهران: علمی. چ دوم.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا. (۱۳۸۹). شعر معاصر عرب. تهران: سخن.
- شمس لنگرودی، محمد تقی جواهري گیلانی. (۱۳۷۷). تاریخ تحلیلی شعر نو. چ ۱. تهران: مرکز.
- عباس، احسان. (۲۰۰۱). الاتجاهات الشعرية المعاصرة. عمان: دار الشروق.
- عبد شراد، شلتاغ. (۱۹۹۸). تطور العشر العربى الحديث. دار مجدلاوى للنشر.
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۶۳). درباره ادبیات و نقد ادبی. تهران: امیر کبیر.
- قافله سalar سخن. (۱۳۷۰). مجموعه مقالات درباره خانلری. تهران: البرز.
- الكتاني، محمد. (۱۹۸۲). الصراع بين التقديم والجديد في الأدب العربي الحديث، دار الثقافة. دار البيضاء.
- مجله آپلو. (۱۹۳۲). عدد ابریل. القاهرة.
- مرهستی، شهلا. (۱۳۵۴). فهرست مجله سخن. جلد اول از دوره اول تا هشتم. ۱۳۲۲-۱۳۳۶.
- فرهنگ ایران: بنیاد.
- المعموش، سالم. (۱۹۹۹). الادب العربي الحديث. بيروت: دار الموسام.
- مقدادی، بهرام. (۱۳۷۸). فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی. تهران: فکر روز.
- بوسفی، غلام‌حسن. (۱۳۷۱). چشمی روشن. دیداری با شاعران. تهران: علمی.
- Cuddon, J. A (1984). *A Dictionary of Literary terms*, New York.